

Examining Barriers and Solutions for Enhancing Political Participation in the Quran

Received: 2023/07/09
Accepted: 2023/11/02

10.22034/JKSL.2023.405178.1223
20.1001.1.27833356.1402.4.4.3.0



*Ali Aqajani

Type of Article: Researching

Abstract

Political participation is regarded as a significant subject within political science and the foundational elements of social and political well-being. It is a complex matter with major obstacles that can either impede its progress or accelerate it. This article posits the question, "What does the Quran say about the barriers to political participation and strategies for its enhancement?" The assumption underlying this inquiry is that there is a potential for conceptualizing contemporary political concepts in the Quran based on thematic interpretation. By exploring the indicators and implications, it can be broadly and specifically understood that the Quran addresses this issue under the mental, cultural, social, political, and economic axes. The primary cultural obstacle is the unfocused and unregulated expansion of the religious domain, constraining active political participation. The main solution for enhancement lies in temperate expansion, avoiding extremes, and refraining from exploiting religious jurisdiction. Aberrant conflicts pose a significant societal obstacle, generating an irregular and tumultuous atmosphere, and a crucial social solution is to focus on conflict resolution mechanisms, such as mediation by unbiased arbitrators. The primary political barrier is tyranny, especially when intertwined with religion, and the key solution is to increase political capacity and promote moderation. The primary economic obstacle is discrimination, and the most crucial economic solution is working towards political participation through economic and social justice.



*.Assistant Professor, Department of Political Science, Research Institute of Hawzah and University
aqajani@rihu.ac.ir



Keywords: Political Participation, Barriers to Political Participation, Strategies for Political Participation Enhancement, Thematic Political Interpretation of the Quran

How to cite

Aqajani, A. (2024). Examining Barriers and Solutions for Enhancing Political Participation in the Quran. *Quran, Culture And Civilization*, 4(4), 54–79. doi: 10.22034/jksl.2023.405178.1223

بررسی موانع و راهکارهای ارتقای مشارکت سیاسی در قرآن



علی آقاجانی*

10.22034/JKSL.2023.405178.1223 doi
20.1001.1.27833356.1402.4.4.3.0

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

مقاله: پژوهشی

چکیده

مشارکت سیاسی از مسائل علم سیاست و بنیادهای مهم سلامت اجتماعی و سیاسی قلمداد می‌شود و امری سهل و ممتنع است که مانعی کلان یا خرد می‌تواند حرکتش را متوقف کند یا عاملی شتابزا بر سرعتش بیفزاید. فرضیه مقاله در پاسخ بدین پرسش که «سخن قرآن درباره موانع مشارکت سیاسی و راهکارهای ارتقای آن چیست؟» این گزاره را مطرح می‌سازد که بر پایه مفروض، امکان ظرفیت‌سنجی مفاهیم سیاسی امروزی در قرآن مبتنی بر تفسیر موضوعی وجود دارد و با واکاوی دال و مدلول‌ها، می‌توان به‌طور عام و خاص دریافت که قرآن در این باره سخن دارد و آن را ذیل محورهای ذهنی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و بر پایه قاعده جری و تطبیق و نیز الغای خصوصیت اصطیاد نمود. بر این اساس، مهم‌ترین مانع ذهنی فرهنگی، بسط بی‌جهت و بی‌ضابطه قلمرو دین است که عرصه را بر مشارکت سیاسی فعال می‌بندد و راهکار اصلی ارتقا نیز، بسط اعتدالی و به‌دور از افراط و تفریط قلمرو دین است. اختلاف و نزاع غیرهنگامند مهم‌ترین مانع اجتماعی است که فضای نامنتظم و فتنه‌گون ایجاد می‌کند و راهکار مهم اجتماعی نیز توجه به مکانیزم‌های رفع اختلاف مانند صلح توسط داوران مرضی‌الطرفین است. مهم‌ترین مانع سیاسی، استبداد است؛ به‌ویژه اگر با دین آمیخته شده باشد و مهم‌ترین راهکار، افزایش ظرفیت سیاسی و ترویج مداراست. مهم‌ترین مانع اقتصادی نیز تبعیض است که در مقابل عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مهم‌ترین راهکار اقتصادی افزایش مشارکت سیاسی باشد.



* استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. aqajani@rihu.ac.ir



واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، موانع مشارکت سیاسی، راهکارهای ارتقای مشارکت سیاسی، تفسیر سیاسی موضوعی قرآن

استناد به این مقاله:

آقاجانی، علی. (۱۴۰۲). بررسی موانع و راهکارهای ارتقای مشارکت سیاسی در قرآن. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۴(۴)، ۵۴-۷۹. doi: 10.22034/jksl.2023.405178.1223



۱. بیان مسئله

مشارکت سیاسی یکی از بنیادهای مهم سلامت اجتماعی و سیاسی جامعه قلمداد می‌شود و سرمایه اجتماعی عظیمی تلقی می‌گردد. از سوی دیگر، افزایش مشارکت سیاسی از جمله الزامات سیاست در جهان جدید است. توسعه کمی و کیفی ابزارهای ارتباط جمعی بر آگاهی‌های شهروندی افزوده و افزایش دانش و آگاهی بر مطالبات مشارکت سیاسی تأثیر جدی گذاشته است؛ از این رو، توان پاسخ به تقاضاهای مستمر و متراکم، نیازمند ذهنی آماده و اندیشه‌ای منسجم جهت سامان دادن بدان است. قرآن منبعی اصیل و اساسی برای رجوع و پاسخ بدین نیاز است که با اذهانی پویا و خلاق و با وسعت اندیشه می‌توان از اقیانوس بی‌کران آن در و گه‌ری پر قدر صید نمود. اما تمامی عوامل قوام جامعه، از جمله مشارکت سیاسی، مصون از موانعی در بستر اجتماعی نیستند؛ از این رو، توجه و رصد این موانع که می‌تواند مشارکت سیاسی را کم‌رنگ کرده یا به ضد خود تبدیل نماید و اعتماد سیاسی را دچار خلل سازد امری لازم است؛ بر این اساس، در پی تحلیل برخی از مهم‌ترین موانع گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت سیاسی با الهام از قرآن کریم به عنوان نمونه خواهیم بود؛ با این تذکر که شاید به طور کامل نتوان در این موضوع خاص میان عرصه‌های ذکر شده تفکیک کاملی برقرار کرد. همچنین پرداختن به موانع و راهکارهای مشارکت سیاسی در قرآن مبتنی بر تحلیل کیفی قواعد قرآنی و ظرفیت‌سنجی و سپس تعمیم و تخصیص هم‌زمان آن قواعد است؛ زیرا موضوع و عنوان مشخص و تجسم یافته‌ای به نام «مشارکت سیاسی» در قرآن نداریم.

مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی در ارتباط است و این نظریه‌ها دامنه مشارکت سیاسی را دچار قبض و بسط می‌کنند. نظریه نخبه‌گرایی (Elitism theory) مشارکت سیاسی قابل توجه را به نخبگان محدود و محصور می‌کند و توده‌ها را عمدتاً غیرفعال یا آلت دست نخبگان می‌داند. نظریه کثرت‌گرایی (Pluralism Theory) مشارکت سیاسی را کلید رفتار سیاسی می‌داند؛ زیرا عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و تعیین سیاست‌هاست. بر این اساس، تعاریف مختلفی از مشارکت سیاسی وجود دارد (فیرحی، ۱۳۷۷ش، ۴۴؛ مصفا، ۱۳۷۵ش، ۹؛ پای، ۱۳۷۰ش؛ راش، ۱۳۷۷ش، ۱۲۳)؛ اما تعریف مختار، مشارکت سیاسی را به معنای شرکت فعالانه و اغلب آگاهانه افراد جامعه، به صورت فردی یا جمعی، در عرصه عمومی و فرایند نفوذ اجتماعی و اعمال قدرت،

تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا به صورت حمایتی و نظارتی و رقابتی می‌داند. براین پایه، اولاً اکثر کنش‌های غیرآگاهانه و ثانیاً کنش‌های منفعلانه خارج می‌شود. همچنین مشارکت سیاسی مطلوب و آرمانی از دیدگاه دینی فعالیتی است که سعادت جامع مادی و معنوی جامعه را مدنظر قرار دهد و به شکل و بعد خاصی از آن، به‌ویژه سعادت مادی، تقلیل نیابد. همچنین در این تحقیق، مناسبات و روابط اعمال قدرت در جامعه و نسبت به حکومت مدنظر است.

بحث درباره مشارکت سیاسی، در ادبیات سیاسی جهان و به‌طور خاص در آثار ارسطو و افلاطون، فیلسوفان کلاسیک، تاریخچه‌ای کهن و دراز دارد. درباره موانع و راه‌های ارتقای آن نیز به فراخور و ذیل «مشارکت»، مطالبی وجود دارد. درباره اصل مشارکت سیاسی در قرآن و تفاسیر، مقالات محدودی نوشته شده است؛ مانند مقاله «حق مشارکت شهروندان و آزادی سیاسی با تأکید بر قرآن کریم» (سیدباقری، ۱۳۹۷ش، ۴۱-۶۵) که مشارکت سیاسی و نقش آن در آزادی را در سه مرحله رصد کرده است. مقاله دیگر نیز «مشارکت سیاسی در آرمان‌شهر اسلامی از منظر قرآن و روایات» (یزدانی، ۱۳۹۷ش، ۴۸-۷۳) است. این دو مقاله مستقیماً با موضوع این پژوهش مرتبط است؛ نیز بخش‌هایی از کتاب‌های حکومت و سیاست در قرآن (قاضی‌زاده، ۱۳۸۶ش) و پیرامون ولایت فقیه یا حکومت اسلامی؛ اما آثار مستقل بسیار محدود است. در سال‌های اخیر سه کتاب به بازار نشر آمده است که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش حاضر دارد. مشارکت سیاسی در فقه سیاسی شیعه (ایزدهی، ۱۳۹۶ش) نخستین و جدی‌ترین اثر در این زمینه به شمار می‌رود و توصیفی فقهی از مشارکت سیاسی ذیل دو نظام سیاسی مشروع و نامشروع به دست داده است. کتاب شاخص مشارکت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی (خلوصی، ۱۳۹۵ش) کتاب دیگری است که به چاپ رسیده است. دیگر اثر، کتاب راهکارهای فقه سیاسی شیعه برای گسترش مشارکت سیاسی (رحمانی، ۱۳۹۴ش) است که الگوها و راهکارهای مشارکت سیاسی با نگاه فقه سیاسی شیعه را بررسی کرده است. درباره موانع مشارکت سیاسی در قرآن تاکنون عنوانی به چشم نیامده؛ هرچند درباره مشارکت سیاسی مقالاتی موجود است؛ مانند «موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد دولت ج.ا. ایران» (حاجی‌یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵ش)، «راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت؛ موانع و محدودیت‌ها» (صفری، ۱۳۹۶ش)، «مطالعه موانع توسعه سیاسی در ایران با تأکید بر عدم مشارکت نخبگان دانشگاهی»



(عسکری و همکاران، ۱۴۰۱ش)، «موانع مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران» (هواسی و همکاران، ۱۴۰۱ش)، «موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی» (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷ش) و «تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران؛ موانع و مشکلات جامعه‌شناسی آن» (آراسته‌خو، ۱۳۷۷ش). براین اساس، تفاوت و نوآوری مقاله حاضر، بررسی موانع و راهکارهای مشارکت سیاسی در قرآن و نیز جامعیت سنجش موانع و راهکارهاست که در هیچ‌یک از آثار پیشین بدین شکل وجود ندارد.

این پژوهش کتابخانه‌ای است و از روش تفسیر موضوعی اجتهادی استفاده می‌کند؛ زیرا تفسیر موضوعی امکان نگرش روزآمدتر و کارآمدتر و گسترده‌تر از قرآن را فراهم می‌آورد. تفسیر موضوعی شیوه‌ای مسئله‌محور دارد. گاه مسئله از درون قرآن و پاسخ هم از درون قرآن است و گاه مسئله از متن واقعیت‌های زندگی و نیازهای اجتماعی گرفته می‌شود و پاسخ آن از قرآن به دست می‌آید که این شیوه دوم و درست، استنتاج است. درباره تفسیر موضوعی تعاریف مختلفی مطرح شده است. تفسیر موضوعی به لحاظ ماهیت، تفسیری اجتهادی به شمار می‌رود. سیدمحمدباقر صدر در تبیین تفسیر موضوعی بر آن است که در این روش، مفسر آیات قرآن را آیه به آیه همانند روش تجزیه‌ای بررسی نمی‌کند؛ بلکه می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی یا جهان‌بینی که قرآن متعرض آن شده، متمرکز سازد و آن را تبیین و تحقیق و مطالعه نماید (صدر، بی‌تا، ۱۲؛ حکیم، ۱۳۷۸ش، ۳۶۸-۳۶۳). در این تعریف، معیار اشتراک موضوعات روشن نیست. تعاریف مختلف دیگری نیز ارائه شده است (عبدالستار، ۱۴۱۸ق، ۵۴؛ سبحانی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ۱۱؛ مسلم، ۱۴۲۱ق، ۱۶). تعریف مختار این پژوهش از تفسیر موضوعی با استفاده از برخی دیدگاه‌ها (جلیلی، ۱۳۷۲ش، ۱۷۰) چنین است:

کوششی است استنتاجی در فهم روشمند نظر قرآن در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده علمی و نظری برخاسته از معارف بشری که از لحاظ معنا یا غایت با هم متحدند و انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص داشته باشد.

این روش به‌ویژه با توجه به قاعده جری و تطبیق که با آن همبسته است تکمیل می‌گردد. جری و تطبیق یکی از مفاهیم تفسیری در بین مفسران معاصر است و نخستین بار علامه طباطبایی

با برداشت از اخبار جری، این اصطلاح را ابداع کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۴۱-۴۲). معنای این قاعده، تطبیق کلی بر مصادیقی غیر از مصداق شأن نزول اما مشابه آن است. مقصود آن است که قرآن از حیث انطباق بر مصادیق وسعت دارد و به موارد نزول آیات اختصاص ندارد؛ بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌شود؛ مانند مَثَل‌هایی که خاص موارد اولیه نیستند؛ بلکه در هر چیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ۶۷).

همچنین به نظر می‌رسد به لحاظ نظری و عملیاتی، حیطه‌بندی موانع و راهکارها به چهار حیطه ذهنی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حصری منطقی است؛ چون جامع است و هیچ موردی از آن بیرون نمی‌ماند. البته احتمالاً تداخلاتی میان حیطه‌های چهارگانه می‌تواند وجود داشته باشد که برخی قابل توضیح و تنظیم است و از برخی نیز گریزی نخواهد بود. نکته دیگر در روش آنکه از آنجا که در قرآن عنوان و سرفصلی مثلاً تحت عنوان موانع یا راهکارهای مشارکت سیاسی نداریم و قرآن به‌طور مستقیم به این موضوعات پرداخته است، می‌باید از قاعده تفسیری جری و تطبیق برای تعمیم داده‌های قرآنی و الغای خصوصیت از آن‌ها استفاده کرد.

۲. موانع و راهکارهای مشارکت سیاسی در قرآن

۲-۱. موانع و راهکارهای ذهنی فرهنگی مشارکت سیاسی در قرآن

۲-۱-۱. موانع ذهنی فرهنگی مشارکت سیاسی در قرآن

یکی از موانع مشارکت سیاسی، ضعف و رخنه در کلیت اخلاق سیاسی کنش‌گران سیاسی جامعه اعم از بازیگران حکومتی و بازیگران غیرحکومتی است. نادیده گرفتن و عبور از قاعده بازی سیاسی از سوی اطراف مختلف رفتار و رقابت سیاسی، منجر به سرخوردگی کلیت فعالان سیاسی و نومی‌توده مردم می‌شود. بدین جهت، رعایت اخلاق سیاسی سهم عمده‌ای در قاعده‌مندی، پیش‌بینی‌پذیری و تسهیل فعلیت‌های سیاسی و در نتیجه، ایجاد انگیزه در نخبگان و قاطبه مردم برای شرکت در انواع کنش‌های سیاسی مشارکت‌جویانه می‌شود.

انگیزش‌های ناپسند درونی مانند حسادت، بخل و تعصب از هر نوع آن، منجر به تشدید بی‌قاعدگی در رقابت سیاسی می‌شود و به نموده‌های بیرونی و عملی مانند پرخاش، دروغ،



اتهام‌زنی و تهمت و افشاگری اسرار شخصی منجر می‌گردد. مجموعه این‌ها به سیاست حذف به جای هضم و جذب و غیراخلاقی کردن عرصه سیاسی و آشفتگی در آن می‌انجامد. البته زدودن رذایل اخلاقی در سیاست نیز امری سخت و صعب است؛ زیرا این عرصه بسیار لغزنده است؛ اما تقویت مبانی توحیدی و اخلاقی، به علاوه تقویت مکانیزم‌های نظارت بیرونی، می‌تواند بر آن فائق آید.

رجوع به قرآن نقش تخریبگر انگیزش‌های ناپسند را به‌خوبی نشان می‌دهد. حسادت یکی از این انگیزش‌های رقابت‌سوز است که قرآن در دو جا، آیات ۵ فلق^۱ و ۱۰۹ بقره،^۲ به‌صراحت از آن نام برده است. قرآن در آیه نخست، حسادت را از شرور سیاسی خانمان برانداز تلقی کرده و در آیه دوم، آن را یکی از عوامل حق‌ناپذیری سیاسی و محرک برهم زدن قواعد کنش و مشارکت و رقابت سیاسی معرفی نموده است. نفاق و ریا یکی دیگر از نتایج انسداد و تضییق مسیر مشارکت سیاسی است که در برخی آیات قرآن بدان اشاره شده است (توبه: ۷۷، ۹۷ و ۱۰۱؛ انفال: ۴۷).

از دیگر موانع مشارکت سیاسی، مدارا نکردن و تحمل فرهنگی سیاسی است که در درجات بالا به خشونت عریان منتهی می‌شود. مدارا نکردن در نسبت میان دولت و جامعه یا میان جامعه در نهایت منجر به کاسته شدن از میزان و دامنه مشارکت سیاسی خواهد شد؛ از این‌روست که قرآن در آیه ۱۵۹ آل‌عمران خطاب به پیامبر، تندخویی و خشونت و سخت‌گیری را موجب تفرق نیروها خوانده و رمز موفقیت سیاسی پیامبر را مدارا دانسته است: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ». «فَظًّا» خشونت در کلام و «غلیظت قلب» تندمزاجی است (طیب، بی تا، ج ۳، ۴۰۸). براین اساس، مدارا نکردن و خشونت موجب شکل نگرفتن و بسط نیافتن مشارکت سیاسی سالم و مثبت می‌گردد.

قرآن مدارا نکردن و خشونت‌ورزی حاکمان و صاحبان قدرت سیاسی و اجتماعی را یکی از موانع مشارکت تلقی کرده و روایت‌های تاریخی سیاسی نیز همین را بیان می‌کند. قرآن در ارزیابی خود، به روندها و وقایع تاریخی نیز اشاره می‌کند؛ روندها و حوادثی مانند اقدام نمرود جهت قتل ابراهیم علیه السلام (عنکبوت: ۲۴)، تصمیم سران یهود برای از میان برداشتن عیسی علیه السلام، نسل‌کشی

۱. «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ».

۲. «وَدَكْبِيرٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُّوْكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا مِنْ بَعْدِ أَنْتَسِبَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمُ الْحَقَّ».



دومرحله‌ای فرعون در زمان احتمال تولد موسی علیه السلام (بقره: ۴۹؛ ابراهیم: ۶؛ قصص: ۴) و هنگام ایمان آوردن تعدادی به موسی علیه السلام (غافر: ۲۵؛ اعراف: ۱۲۷). این‌ها نمونه‌هایی است که قرآن به منظور نشان دادن مانع‌تراشی و انسداد مسیر مشارکت و پیش‌گیری از فروپاشی و محدودیت قدرت توسط خودکامگان مثال می‌آورد.

مطلق‌پنداری یکی دیگر از موانع نظری فرهنگی مشارکت سیاسی است. اینکه کنش‌گران سیاسی خود، اندیشه‌های خود یا گروه خود را حق مطلق ببینند و با دیگران به صورت باطل مطلق برخورد کنند موجب کم‌رنگ شدن مشارکت سیاسی و محدودیت کتبی و کیفی آن می‌گردد. این مسئله به‌ویژه در ارتباط با مقوله دین بسامد و تراکنش بیشتری می‌یابد و موانع بیشتری وارد می‌سازد.

قرآن در آیه ۲۹ اسراء^۱ با ذکر مثالی، به دوری از افراط و تفریط و اعتدال در برداشت‌ها و نگرش‌ها و رفتارها دعوت می‌کند. این آیه گرچه درباره اعتدال در بخشش به دیگران است، بر اساس قاعده تفسیری جری و تطبیق، با الغای خصوصیت و نیز در نظر گرفتن سایر آیات و روایات و ادله، قابل تسری به سایر رفتارهاست. تعمیم معنای صبر در قرآن به‌ویژه در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران^۲، نگرش منفی قرآن نسبت به واژگان تعصب و حمیت که واجد هیچ‌گونه بار مثبتی نیست^۳، توصیف و تمجید قرآن از پیامبر به جهت شنیدن تمامی سخنان^۴، آیاتی که به تأنی و تعجیل نکردن در قضاوت فرا می‌خواند^۵ و در نهایت آیاتی مانند ۱۳ حجرات که مؤمنان را با وجود اختلافات به برادری و با غیر مؤمنان به عطف و همزیستی^۶ دعوت می‌کند، می‌تواند ابعاد و جنبه‌هایی از روا نبودن مطلق‌نگری در نگاه قرآن را بیان و مستدل سازد.

از جهت دیگر، معرفت دینی غیر از دین است و هیچ عالم دینی در طول تاریخ ادعا نکرده که معرفت دینی وی، همان دین است. این دو در حالی که ارتباط محکمی با یکدیگر دارند، دو مقوله جدا از همند (جمالی، ۱۳۹۰ ش، ۲۱). براین اساس، از امکان فهم‌های مختلف متون و منابع دینی،

۱. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

۳. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ» (فتح: ۲۶). نکت: شاورانی، ۱۳۹۳ ش.

۴. «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ مِنْ خَيْرٍ لَكُمْ» (توبه: ۶۱).

۵. «وَطَّرَ دَاوُدَ إِذْ أَنَا قَتْنَاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ» (ص: ۲۴).

۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا».



در ساختارسازی‌ها و نظام‌سازی‌ها وجود دارد و این مسئله تضادی با دین ندارد؛ حتی امام خمینی از برداشت‌های گوناگون از اسلام و سابقه آن سخن به میان می‌آورد (خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ۶۱۶).

یکی دیگر از موانع، نگرش انبساطی افراطی به مقوله گستره و قلمرو دین است که مجال تحرک‌های عقلانی همگون با کلیت دین را می‌ستاند. براین پایه، برداشت‌های افراطی از دین و بسط بی‌ضابطه و غیرضرور دستورات الزامی دینی، می‌تواند یکی از سدهای مسیر مشارکت سیاسی تلقی شود و دایره رقابت سالم را تنگ سازد؛ چنان‌که رهیافت حداکثری مطلق از دین بر آن است که در هر واقعه و عملی و هر حرکت و سکونی و در تمامی جزئیات، نیازمند رجوع به کتاب و سنت هستیم و هیچ واقعه و عملی خالی از احکام پنج‌گانه تکلیفی (وجوب، استحباب، اباحه، کراهت و حرمت) نیست. برای هر حرکت باید پیشتر حکم آن را از شریعت جست. اسلام تمام نیازهای بشر را فرموده و چیزی فروگذار نکرده است (مرندی، ۱۳۷۷ش، ۱۹۸-۱۹۹). این نظر بر آن است که مجموعه قرآن و سنت، مبین هر امری است؛ هرچند آن امر به حلال و حرام و شریعت و دین هم مربوط نباشد (همان، ۷۸-۸۰؛ تبریزی، ۱۳۷۷ش، ۱۴۲) و در قرآن آیاتی مانند «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۲)، «وَلَا زُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) و ۱۵۸ اعراف، ۹۰ انعام و ۵۲ قلم را درباره جهان‌شمولی اسلام و آیاتی مانند ۳۸ انعام، ۱۱۱ یوسف، ۱۲ اسراء، ۱۵۴ انعام و ۱۴۵ اعراف را برای تبیان بودن قرآن و اندراج مسائل در آن شاهد می‌آورد.

دلایل رویکرد حداکثری مطلق در استناد به آیات در حالی است که بخش قابل‌توجهی از مفسران شیعی به چنین دیدگاهی معتقد نیستند (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ۴۱۸؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۶، ۵۸۶؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۲، ۴۲۴. حسینی همدانی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ۲۵۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ۴۶۹؛ خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۵۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ۲۷۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ۲۷۹). قرآن در تمامی زمینه‌ها به اعتدال فرا می‌خواند. در جایی امت اسلام را امتی می‌خواند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳) چراکه میانه هر چیزی به جهت آنکه از فاسد شدن دورتر است برترین جای آن است (بلاغی، بی‌تا، ج ۱، ۱۳۳). امت وسط یعنی گروهی که در جمیع شئون فردی و اجتماعی روش مستقیمی دارد و به طرف افراط و تقریبط منحرف نمی‌شود (طیب، بی‌تا، ج ۲، ۲۲۷). براین اساس، اعتدال در روش و محتوا از آیه فهمیده می‌شود (قرشی، بی‌تا، ج ۱، ۲۶۷).

خود پرستی، خودخواهی، زیاده‌خواهی و برتری‌طلبی از دیگر موانع فرهنگی تربیتی مشارکت

سیاسی است که موجب فروپاشی انتظام رقابت و نظم مشارکت سیاسی می‌شود. این خصلت اگرچه انگیزه مشارکت را در فرد کنش‌گر خودپرست مشارکت‌جو افزایش می‌دهد، موجب تضییع تلاش مشارکت‌طلبانه دیگران از سویی، یا انحراف آن به سمت مشارکت نامعقول و منفی از سوی دیگر می‌شود. قرآن کریم در آیات متعددی و با ادبیات گوناگون، این رفتار فرهنگی سیاسی را به چالش می‌کشد و در آیاتی به نکوهش انگیزش و کنش سیاسی خودخواهانه و متکبرانه می‌پردازد (لقمان: ۱۸؛ حدید: ۲۳؛ نساء: ۳۶). در آیه‌ای دیگر، خودپرستی و نگرش خودبسندانه و مغرورانه حداکثری انسان را می‌نکوهد (حدید: ۱۴) و در دسته‌ای دیگر از آیات، برتری‌جویی را به شدت تقبیح و آن را نشانه قدرتمندان فاسد و ظالم مشارکت‌ستیز معرفی می‌کند (نمل: ۱۴، قصص: ۸۳، دخان: ۳۱)؛ همچنین در آیاتی دیگر، عصیان‌گری را نتیجه خودخواهی و خودپرستی و برتری‌جویی می‌داند و بر آن تأکید می‌کند (بقره: ۶۱، آل عمران: ۱۱۲، مائده: ۷۸، هود: ۵۹، نوح: ۲۱، طه: ۱۲۱، نازعات: ۲۱، بقره: ۹۳، نساء: ۴۶).

۲-۱-۲. راهکارهای ذهنی فرهنگی ارتقای مشارکت سیاسی در قرآن

توجه به مبانی و سلوک اخلاق سیاسی، یکی از راهکارهای فرهنگی ارتقای مشارکت سیاسی است. اخلاق در لغت جمع «خَلق» و «خُلُق» و مترادف با خوی است (فرهنگ عمید، بی‌تا، ۱۳۱). به گفته‌ی راغب، این دو واژه در اصل به یک ریشه برمی‌گردد. «خَلق» به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و «خُلُق» به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود؛ بنابراین، اخلاق مجموعه‌ی صفات روحی و باطنی انسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ۲۴). «خُلُق» به معنای سبیه، طبع، عادت و مروئت به کار رفته است (طریحی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۹۴)؛ اما در معنای اصطلاحی آن بنابر دیدگاه خاص هر متفکر و فیلسوف اخلاقی، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ البته در تمامی تعاریف دینی، حفظ و بسط قدرت غیراخلاقی امری ناموجه و در تضاد با غایت دین است.

قرآن از جهات مختلف به اخلاق پرداخته و به اخلاق سیاسی نیز توجه کرده و بر همین اساس، اشاراتی به اخلاق سیاسی پیامبر در تسهیل و زمینه‌سازی مشارکت سیاسی مردم نموده؛ به نحوی که پیامبر ﷺ را دارای اخلاق بسیار بزرگ در مواجهه با مردم خوانده است (قلم: ۴). همچنین در آیه‌ی دیگری، علت موفقیت پیامبر ﷺ را در جلب مشارکت مردم، اخلاق نیکوی او برشمرده است.



با این حال همچنان از پیامبر می‌خواهد از خطای آنان درگذرد و آن‌ها را ببخشد و با آنان در امور مهم سیاسی مشورت نماید (آل عمران: ۱۵۹).

یکی دیگر از عوامل فرهنگی ارتقای مشارکت سیاسی و قاعده‌مندسازی رقابت‌های سیاسی، توجه به تربیت سیاسی^۱ شهروندان است. این امر در مراکز فرهنگی آموزشی امکان‌پذیر است. البته تربیت سیاسی رابطه و وثیقی با جامعه‌پذیری سیاسی دارد، اما فراگیرتر از آن است. جامعه‌پذیری سیاسی نیز فرایند آشناسازی افراد با نظام سیاسی جامعه خود و تعیین‌یابی نسبی ادراکات و واکنش‌های آن‌ها نسبت به پدیده‌های سیاسی است.

تربیت سیاسی در سه محور اصلی شناخت بینشی و دانشی، ارزش‌ها و نگرش‌های عاطفی و نگرشی و مهارت‌های رفتار سیاسی و اجتماعی (موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷ش، ۷۶) قابل تقسیم است و البته در نگرش‌های مختلف اهداف متفاوتی دارد. مثلاً در نگرش انتقادی، ترسیم مبارزه سیاسی اجتماعی هدف‌گذاری می‌شود؛ حال آنکه در نگرش محافظه‌کاری تربیت سیاسی، هدف حفظ وضع موجود است. قرآن به دووجهی بودن انسان (تین: ۴-۵)، رعایت اعتدال و توجه به ابعاد مختلف انسان توجه کرده است. قرآن امت اسلامی را امت وسط و معتدل شناسانده است (بقره: ۱۴۳). قرآن هم جنبه‌های مادی و هم جنبه‌های معنوی و اخروی، طبیعت و فطرت و جسم و روح را در کنار هم نشانده و یکی را به نفع دیگری حذف نکرده است. در قرآن شش اصل بنیادی عقلانیت، کرامت، فطرت، عدالت، اختیار و مسؤلیت وجود دارد که جامع هویت فردی و جمعی انسانند؛ چنان‌که برخی اشاره کرده‌اند (موسوی الیگودرزی، ۱۳۸۷ش، ۷۶).

بسط اعتدالی قلمرو دین، راهکار نظری و تفسیر سیاسی پژوهش در جهت گسترش و ارتقای مشارکت سیاسی است. هرچه دایره دستورات الزامی یا جزئی دین که اصالتاً جزء دین نیست یا می‌تواند نباشد، کاسته و حوزه «امر الناس» گسترده‌تر شود، بی‌آنکه از حوزه حقیقی شریعت چیزی کم شود، میدان مشارکت فعالانه سیاسی فراخ‌تر می‌گردد. چنین قلمروی از آن جهت اعتدالی است که در میانه گفتمان سیاسی حداکثری مطلق و حداقلی قرار دارد. در این نظر، جامعیت

۱. تربیت از ریشه «رَبَّیْتُ» در لغت به معنای زیادت و فزونی و رشد کردن (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ۱۲۶) و از دیگر معانی آن پروراندن، پرورش دادن، یاد دادن و بارآوردن است. تربیت سیاسی یعنی پرورش و شکوفاسازی استعدادهایی که مربوط به بعد سیاسی انسان و ویژگی عمومی او یعنی قدرت است. به تعبیر جامع‌تر «تربیت سیاسی در واقع پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه خود است» (الیاس، ۱۳۸۵ش، ۱۸۰).

منابع و ضوابط همراه با گزاره‌های بسیار، حتی در غیرعبادات، بدون تعلق به زمان یا مکان و جمعیت خاص معیار است (آقاجانی، ۱۳۹۸ش، ۵۹).

طوسی، طبرسی، طباطبایی و برخی دیگر در تفسیر آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ»، مراد از «بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ» را بیان مشکلاتی می‌دانند که مربوط به امور دین است (طوسی، بی تا، ج ۶، ۴۱۸؛ طبرسی، بی تا، ۵۸۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ۴۶۹؛ خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ۵۱۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ۵۴۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ۲۷۹). زمخشری هم معتقد است آیه مزبور در ارتباط با امور دینی است، نه چیزهایی که به دین ارتباط ندارد (زمخشری، بی تا، ج ۲، ۴۲۴). تفسیر انوار درخشان آن را مشروط بر تفصیل از غیردلالت لفظیه می‌داند (حسینی همدانی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ۲۵۲). نیز بسیاری از تفاسیر، مدلول «کتاب مبین» را در آیه «وَلَا زُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» لوح محفوظ (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ۹۲) یا علم خدا دانسته‌اند (حسینی همدانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ۳۰۲)؛ گرچه پاره‌ای تفاسیر نیز به تفسیر حداکثری خاص تمایل دارند. براین اساس، می‌توان بر اساس مصلحت‌های واقعی متوجه دین و برپایه بازخوردهای اجتماعی روش‌ها و نگرش‌های سلبی و ایجابی اجرایی در نحوه عرضه مکانیزم‌های اجتهادی در فقه سیاسی از منظر دین، مانند مبحث احکام اولیه و ثانویه یا مبحث وهن دین یا قواعدی مانند «الأهم فالأهم» که به درستی در فرایند اجتهاد تعبیه شده، بهره برد و از روشی عدول کرد تا ملاک اصلی که هدایت است حاصل آید (آقاجانی، ۱۳۹۷ش، ۹۱). بدین ترتیب از دیدگاه اسلام، بخش قابل توجهی از حیات بشری فارغ از دستورات الزامی دینی و محل رخصت قرار می‌گیرد.

مطهری با آن که از مدافعان جامعیت اسلام است، سلطه تمام‌عیار و غیرلازم شرع بر زندگی انسانی را مطابق با نقشه راه دین نمی‌شناسد. از نظر او، لازمه جامعیت اسلام آن است که در بسیاری از مسائل، دستور جزئی در کار نباشد. وی در این باره روایت «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ أَنْ يُؤَخَّذَ بِرُخْصِهِ كَمَا يَجِبُ أَنْ يُؤَخَّذَ بِعَزَائِمِهِ» متمسک می‌شود (مطهری، بی تا، ج ۲۱، ۱۹۵). این روایت نیز می‌تواند یکی از دلایل متنی این گزاره قلمداد شود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَدَّ لَكُمْ حَدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَسَنَّ لَكُمْ سُنَنًا فَاتَّبِعُوهَا وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ حُرْمَاتٍ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَعَفَى لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ رَحِمَهُ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ نَسْيَانٍ فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا.» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ۴۲۴؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۱۰-۵۱۱). بنابراین، مطهری ضمن آنکه التزام تمام‌عیار به حدود و ثغور



دین دارد، بسط غیرلازم و افراطی و ناروای آن را که منجر به محدودیت بی جهت مانور انسانی در حوزه‌های مختلف، از جمله در مبحث مهم مشارکت سیاسی شود، بر نمی‌تابد و مفید نمی‌انگارد.

۲-۲. موانع و راهکارهای اجتماعی سیاسی مشارکت سیاسی در قرآن

۲-۲-۱. موانع اجتماعی مشارکت سیاسی در قرآن

استکبار و تکبر اجتماعی سیاسی یکی از موانع اجتماعی مشارکت سیاسی محسوب می‌شود که از تکبر فرهنگی برمی‌خیزد. البته این مانع شاید بیشتر اجتماعی قلمداد شود؛ زیرا امری است که در تاروپود روابط اجتماعی جاری می‌شود و امکان ظهور و بروز می‌یابد. استکبار، هم از موانع پیشینی و هم از موانع پسینی مشارکت سیاسی شمرده می‌شود که از یک منظر، مانع شکل‌گیری جریان سالم مشارکت سیاسی می‌گردد و پس از شکل‌گیری هم می‌تواند از گسترش روند سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکت جلوگیری کند.

معنای استکبار آن است که شخص با آنکه اهلش نیست، اظهار بزرگی و تکبر کند (قرشی، بی تاف ج ۶، ۷۴؛ راغب، بی تا، ۶۹۷). در قرآن از ماده استکبار و از مشتقات آن فراوان استفاده شده است. از دیدگاه قرآن، استکبار موجب منع از زایش و رویش و استمرار اجتماعی مشارکت سیاسی می‌شود؛ چنان‌که رفتار ابلیس، فرعون، نمرود و ستمگرانی از این دست چنین بوده است که درصدد دفع و رفع مشارکت دیگران بوده‌اند (نوح: ۷، قصص: ۳۹، ص: ۷۴، غافر: ۴۸، فصلت: ۳۸، نوح: ۷).

اختلاف و تفرقه و تنازع نیز، همانند استکبار، می‌تواند هم از موانع پیشینی و هم از موانع پسینی مشارکت سیاسی فعال تلقی شود. البته مجرد اختلاف و تفاوت از نظر قرآن مذموم نیست؛ بلکه اختلاف ناشی از غرایز غیرانسانی مانند حسد و غضب و جهل، به صورت مشکک و مدرج، مذموم است (یونس: ۱۹، زمر: ۳، جاثیه: ۱۷). قرآن اختلافی را که موجب تفرقه و تشتت شود با شدت بیشتری سرزنش کرده است (آل عمران: ۱۰۵، شوری: ۱۴، انبیاء: ۹۳)؛ چنان‌که با ایجاد مسجد ضرار، از این جهت مخالفت شده است (توبه: ۱۰۷).^۱

در مرحله سوم که شدیدترین مرحله است، اختلاف به تنازع می‌رسد و جامعه را به سمت

۱. «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِصَادًا لِمَنْ حَازَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ».

فروپاشی می‌برد و مشارکت سیاسی سالم را کاملاً محو می‌کند (آل‌عمران: ۱۵۲، نساء: ۵۹، انفال: ۴۶). مفسران در تفسیر آیه ۴۶ انفال که با صراحت و تأکید تنازع را نهی می‌کند، تنازع و کنش سیاسی منازعه‌جویانه را موجب سستی دانسته‌اند. برخی تفاسیر نیز در معنای «تَذْهَبَ رِيحُكُمْ»، به جز قدرت و قوت، از زوال دولت سیاسی سخن گفته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۵، ۱۳۲). وابستگی‌ها و تعصبات بی‌منطق اجتماعی یکی دیگر از موانع مشارکت سیاسی آگاهانه و فعالانه است که قرآن بدان توجه کرده است. «تعصب جاهلی» یکی از این کلیدواژه‌های قرآنی برای توصیف این پدیده است (فتح: ۲۶). این امر موجب فروبستن چشم‌ها و گوش‌ها و غلطیدن به وادی محافظه‌کاری نامعقول می‌شود و امکان مشارکت سیاسی مثبت را کاهش می‌دهد. قرآن در آیات متعددی، از وابستگی‌های بی‌منطق اجتماعی نسبت به گذشتگان و قوم و قبیله و دین و ملت به‌عنوان عامل کاهش مشارکت سیاسی آگاهانه و فعال یاد می‌کند (زخرف: ۲۴، بقره: ۱۷۰، مائده: ۱۰۴، اعراف: ۲۸، یونس: ۷۸، انبیاء: ۵۳، شعراء: ۷۴، لقمان: ۲۱، سبأ: ۴۳، نجم: ۲۳). قرآن ضمن آنکه به‌کرات از متعصبان فاقد عقلانیت تحلیلی و انتقادی شکوه و آن‌ها را ملامت می‌کند (انعام: ۱۴۸، اعراف: ۷۰ و ۱۷۳، هود: ۶۲ و ۸۷، ابراهیم: ۱۰)، کسانی را که بتوانند بندهای اجتماعی بی‌جا و فاقد منطق را در جهت مشارکت سیاسی هدفمند و آگاهی‌آفرین بگسلند، مؤمنان واقعی و از حزب الله خوانده است (مجادلة: ۲۲).

۲-۲-۲. راهکارهای اجتماعی ارتقای مشارکت سیاسی در قرآن

یکی از راهبردهای اجتماعی افزایش مشارکت سیاسی، تلاش برای رفع اختلافات درونی جامعه یا جوامع مرتبط است. در این صورت است که کنش‌های سیاسی، صبغه‌ای هم‌گرایانه‌تر و قاعده‌مندتر می‌گیرد. قرآن جهت تبیین راهکارها، در آیه‌ای مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده و آن‌ها را به اصلاح روابط اجتماعی دعوت کرده (حجرات: ۱۰) و در دستوری دیگر به اصلاح رفتار عادلانه میان دو گروه از مسلمانان که به جنگ و نزاع با هم برخاسته‌اند امر می‌کند (حجرات: ۹): در آیه‌ای اصلاح‌گری اجتماعی را از مستثنیات نجوا کردن و درگوشی سخن گفتن معرفی می‌کند (نساء: ۱۱۴) و در آیاتی با تأکید و حتی ذکر جزئیات، از اصلاح روابط اجتماعی در ساحت خانواده تا عرصه‌های فراخ‌تر سخن می‌گوید (انفال: ۱). قرآن کریم در آیات دیگری تألیف و تعاون اجتماعی و نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر را به‌مثابه امری حیاتی مطرح می‌کند



و آن را امری لازم برای مشارکت سیاسی می‌شمرد. در این آیات، وحدت و مشارکت اتحادگرایانه موجب رهایی از ذلت و کسب عزت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی محسوب شده است (انفال: ۶۳، آل عمران: ۱۰۳).

در آیه ۱۰۳ آل عمران، اسلام به‌عنوان عامل پیوند سیاسی فرهنگی دشمنان سابق برای هم‌افزایی مشارکت جویانه و وحدت‌گرایانه قلمداد شده است (بلاغی، بی تا، ج ۱، ۳۲۳؛ طیب، بی تا، ج ۳، ۳۰۴؛ صادقی، بی تا، ۶۳)؛ چنان‌که در آیه نخست هم آمده است (انفال: ۶۳). آیه ۱۰۳ انفال به ستیزه‌گری قبایل اوس و خزرج به مدت ۱۲۰ سال اشاره دارد. این ستیزه به‌واسطه اسلام و وجود پیامبر ﷺ، به وحدت و الفت نسبی گرایید و مشارکت سیاسی آنان را ارتقا داد و به سیادت و افتخارشان انجامید (طوسی، بی تا، ج ۲، ۵۴۶؛ ابن‌عاشور، بی تا، ج ۳، ۱۷۵؛ ابن‌کثیر، بی تا، ج ۷۷، ۲).

۲-۳. موانع و راهکارهای سیاسی مشارکت سیاسی در قرآن

۲-۳-۱. موانع سیاسی مشارکت سیاسی در قرآن

یکی از موانع شکل‌گیری و بسط مشارکت سیاسی، فقدان یا نقصان ظرفیت سیاسی است. این فقدان یا نقصان ظرفیت سیاسی می‌تواند در نظام سیاسی و رهبران آن، یا در تشکل‌ها، احزاب، گروه‌های سیاسی و رهبران آن یا در کلیت و توده‌های مردمی باشد. قرآن با تعبیر «سعه صدر» به این مطلب اشاره کرده است. نبود سعه صدر در نظام سیاسی به ایجاد نشدن نهادهای مشارکت‌پذیر و حتی از میان برداشتن آن‌ها و مقابله حذفی و شبه‌حذفی با منتقدان می‌انجامد. فقدان سعه صدر در نخبگان سیاسی و توده مردم نیز به دامن زدن به تنازعات و کنش‌های سیاسی آشوب‌طلبانه و تقدم منافع فردی و گروهی بر منافع جمعی می‌انجامد؛ از این‌روست که قرآن بر سعه و شرح صدر تأکید کرده است؛ چنان‌که نخستین دعای موسی ﷺ طلب شرح صدر است (طه: ۲۵).

ضعف و فقدان امنیت مسئله‌ای است که اساس مشارکت سیاسی سالم را منتفی می‌کند. در فقدان یا ضعف امنیت، امکان مشارکت سیاسی نیز به‌فتور می‌گراید؛ از این‌رو، هم برای مشارکت سیاسی امنیت لازم است و هم مشارکت سیاسی می‌باید به‌نحوی ضابطه‌مند و قاعده‌مند و در درون کلیت نظام سیاسی صورت گیرد تا امنیت را به مخاطره نیندازد. بر این پایه، نگاه متعادل و متناسب به هر

دو مقوله کنش امنیت‌ساز و کنش مشارکت‌گرایانه ضامن ایجاد و بقای هر دو است؛ در غیر این صورت، یا هر دو با هم مفقود خواهد شد یا چرخه معیوبی از وجود و فقدان دیگری را شاهد خواهیم بود. در قرآن نیز مقوله امنیت و نقش مقدمه‌سازانه آن برای مشارکت و ضرورت پاسداشت امنیت مورد توجه است. به نظر می‌رسد در قرآن خوف متضاد امنیت است و در برخی آیات نیز با هم و در کنار هم به کار رفته است (قریش: ۴، نور: ۵۵، بقره: ۲۳۹). قرآن در آیاتی به صراحت، فقدان یا نقصان امنیت را مانع مشارکت سیاسی و موجب کاهش آن دانسته است. به‌طور نمونه، قرآن نگرویدن جمع زیادی از بنی‌اسرائیل را نبود امنیت به جهت ترس از آزار نظام سیاسی فرعونى انگاشته است (یونس: ۸۳).

استبداد یکی از موانع اصلی مشارکت سیاسی است. استبداد واژه‌ای عربی از ریشه «بَدَدَ» و به معنای «کاری را بدون دخالت کسی انجام دادن و بدون توجه به دیدگاه دیگران به تصمیم و نظر خود عمل کردن» است (طبرسی، بی تا، ج ۳، ۱۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ۷۸). قرآن به‌طور عمده، از واژه‌های «جَبَّار» و «طاغی» و «طاغوت» برای تبیین نظام استبدادی استفاده می‌کند. در قرآن ده مرتبه ماده «جبر» به کار رفته است که اکثر موارد آن در معنای نظام سیاسی استبدادی است (مائدة: ۲۲، هود: ۵۹، ابراهیم: ۱۵، مریم: ۳۲، شعراء: ۱۳۰، قصص: ۱۹، غافر: ۳۵). همچنین واژه «طاغوت» در آیاتی از قرآن، در معنای نظام سیاسی استبدادی به کار رفته است؛ مانند آیه‌ای که ترافع نزد طاغوت را به‌عنوان مثل اعلای نظام سیاسی استبدادی منع می‌کند (نساء: ۶۰، نحل: ۳۶). از نگاه قرآن، یکی از ویژگی‌های نظام استبدادی و بلکه منطبق بر آن «طغیان‌گری» است؛ چنان‌که نظام فرعونى با چنین وصفی تبیین می‌شود (طه: ۲۴ و ۴۳). نظام سیاسی استبدادی قبیلگی نیز با همین صفت توصیف می‌شود (فجر: ۱۱، شمس: ۱۱، حاقه: ۵، نجم: ۵۲، ذاریات: ۵۳، طور: ۳۲، صافات: ۳۰). در چنین نظامی، استعدادهاى مشارکت‌طلبانه سرکوب و صدهای مشارکت‌جویانه خاموش می‌گردد.

۲-۳-۲. راهکارهای سیاسی مشارکت سیاسی در قرآن

از نگاه قرآن، یکی از نعمت‌های خداوند بر رسول اکرم ﷺ شرح صدر است (انشراح: ۱). شرح صدر به معنای فزونی ظرفیت سیاسی رهبران و کنشگران سیاسی جامعه است. به همین دلیل، در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «أَلَةُ الرَّئِيسَةِ سَعَةُ الصِّدْرِ.» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، ۴۳۹). گشودگی



سینه در مقابل تمامی رفتارها و گفتارهای منتقدانه، معترضان، خصمانه و جاهلانه و آرامش و صبوری در مقابل آن‌ها و دست نزدن به اقدامات سلبی، یکی از توصیه‌های قرآن است (احقاف: ۳۵)، به نحوی که قرآن از تنبیه و گرفتاری حضرت یونس علیه السلام به سبب اندکی نقصان در سعه صدر به عنوان ترک اولی سخن می‌گوید (انبیاء: ۸۷) و ایشان را به عنوان مصداقی از پیامبرانی که شرح صدر کاملی از خود نشان ندادند، نمونه می‌آورد (قلم: ۴۸). آیه ۱۹۹ اعراف آیه دیگری است که بر گسترش و افزایش ظرفیت سیاسی دلالت دارد. در غرالحکم آمده است: «جمالُ السَّيِّئَةِ الْعَدْلُ فِي الْإِمْرَةِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ» (ابن جماعه، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ۲۷۴-۲۷۳). در روایت دیگری می‌خوانیم: «ظَفَرُ الْكِرَامِ عَفْوٌ وَإِحْسَانٌ. ظَفَرُ اللَّئَامِ تَجَبُّرٌ وَطُغْيَانٌ.» (آمدی، بی تا، ح ۷۷۳۷). امام حسن علیه السلام نیز در روایتی می‌فرماید: «لَا تُعَاجِلِ الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا لِلْإِعْتِذَارِ طَرِيقًا» (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ۲۳۰). قرآن از گفت‌وگو با مشرکان هنگام جنگ سخن می‌گوید (توبه: ۶). آیه ۱۲۵ نحل نیز دلالت تام و کاملی بر سنت حسنه گفت‌وگو و لزوم آن در فضای سیاسی دارد؛ چنان‌که امام صادق در مسجدالحرام و در منظر عموم مردم، حتی با برخی منکران خدا مانند ابن ابی العوجاء بحث و گفت‌وگو می‌کرد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ۱۸۵).

توجه به امر مدارا در فرهنگ اسلامی یکی از راهکارهای فرهنگی غلبه بر بی‌قاعدگی‌های سیاسی و قاعده‌مندسازی آن است. «مدارا» در لغت به معنای ملاحظت، نرمی، ملایمت و احتیاط کردن آمده است (زبیدی، بی تا، ج ۱۹، ۴۰۳). در مواردی، منظور از آن حلم و بردباری و تغافل است. در اینجا مقصود از آن، تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پای‌بندی به اصول خود و رفتار مهربانانه با رقیب است؛ بنابراین، همان‌گونه که پاره‌ای اشاره کرده‌اند، ممکن است «من انتخاب تو را در خصوص امر الف نادرست و برخطا بدانم، اما تصمیم تو را در آن خصوص، از آن حیث که نشانگر هویت انسانی تو به عنوان فاعلی مختار و اخلاقی است، محترم می‌شمارم.» (نراقی، بی تا، ۲۰۱۱)

در همین جهت، مفاهیم مدارا و نرمی و ملایمت^۱ نقطه مقابل و مخالف خشونت است و انسان‌هایی که اهل مدارا، ملایمت، لطف و نرمی در کردار و رفتار نباشند، خشن به شمار می‌آیند. مدارا وجه و حیث رفتاری سعه صدر و اخص از آن است. سعه صدر بیشتر جنبه پیشی

۱. لین.



دارد. این تقابل در آیات قرآن نیز وجود دارد (آل عمران: ۱۵۹). قرآن در آیه‌ای، موسی علیه السلام را به نرمی با فرعون فرامی‌خواند (طه: ۴۴) و در آی، دیگری، از سب و دشنام‌گویی به دشمنان و مشرکان برحذر می‌دارد (انعام: ۱۰۸). بسیاری از روایات نیز بر مدارا تأکید اساسی می‌کند؛ مانند این نمونه‌ها: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ.» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۸، ۳۲۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الرَّفْقَ.» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ۳۶۱)؛ و برخی روایات دیگر که مدارا با مردم را جزوی از ایمان و لازمه زندگی شماره‌انده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۱۱۷). اسلام حتی بر مدارا با دشمن نیز تأکید کرده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ۹۱). امیرالمؤمنین علیه السلام پس از حکومت، تمام تلاش خود را در جهت مدارا با مخالفان خود، از جمله خوراج، به کار برد. آنان با خشونت و اخلال‌گری برخورد می‌کردند؛ اما در مقابل حضرت فرمود: تا هنگامی که دست به شمشیر نبرده‌اید، سه حق از شما دریغ نمی‌شود: شما را از وارد شدن به مساجد و اقامه نماز مانع نمی‌شویم، حق شما را از بیت‌المال قطع نمی‌کنیم و تا زمانی که شروع به جنگ نکنید، با شما نمی‌جنگیم (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ۷۳، سبحانی، ۱۳۷۴ش، ۶۳۰). رفتار و سیره معصومین علیهم السلام با مخالفان، مایه عبرت و درس آموزی است؛ چنان‌که در گفتگوی ابن مسکان با امام صادق علیه السلام^۱ می‌نگریم (برقی، ۳۷۱۱ق، ج ۱، ۲۵۹؛ مجلسی، ۱۳۷۱ش، ۴۲).

آموزه‌ها و قوانین اسلامی، به آسان‌گیری بر مردم و تسهیل وظایف آنان گرایش زیادی دارد و فقط در مواضعی به سخت‌گیری نزدیک می‌شود که نرمی و ملایمت چاره‌سازی نکند یا مصلحت عمومی به خطر افتد یا ایمان و اخلاق جامعه در معرض تباهی قرار گیرد؛ وگرنه روح حاکم بر آموزش‌ها و دستورهای اسلامی مبتنی بر تخفیف و تساهل و جلب قلوب است. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می‌دهد که: «وَأَشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخَّ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۷).

در نظام سیاسی اسلام، مهم‌ترین عامل نفوذ سلطه سیاسی در جامعه، شیوه مدارا و تسامح نظام سیاسی با مردم است؛ اما با اسف، این مهم در فرهنگ اجتماعی و سیاسی ما چندان مورد توجه

۱. عن ابن مسکان قال: قال لی ابو عبدالله علیه السلام: «انی لاحسبک إذا شتم علی علیه السلام بین یدیک لو تستطیع أن تأکل أنف شاتمه لفعلت.» فقلت: «ای واللہ جعلت فداک. انی لهکذا وأهل بیتی.» فقال لی: «فلا تفعل، فواللہ لربما سمعت من یشتم علیاً و ما بینی و بینہ إلا أسطوانة فاستتر بها فإذا فرغت من صلواتی فأمر به فأسلم علیه وأصافحه.»



نبوده و در عوض، فرهنگ سب و لعن در مجموع زیست اجتماعی ما غلبه نسبی داشته است. همین مسئله موجب بی‌قاعدگی در رفتار اجتماعی و سیاسی می‌شود و خروج از جاده انتظام و اعتدال و انصاف را موجب می‌گردد. در فرهنگ اجتماعی از تولا و تبرای دینی برداشت نادرستی شده و با سب و لعن یکسان شمرده شده است. به نظر می‌رسد دنباله این نگرش در برخی موارد به ساحت سیاست نیز کشانده شده و آن را آغشته ساخته است؛ در حالی که در اسلام، فرهنگ سب به معنای کلام زشت مذموم شمرده شده است. خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...» (انعام: ۱۰۸). نیز در جریان جنگ صفین وقتی به امیر مؤمنان علیه السلام گزارش دادند که برخی از یاران وی شامیان را ناسزا می‌گویند، حضرت آنان را فراخواند و چنین فرمود: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغَ فِي الْعُدْرِ.» (سیدرضی، ۱۴۰۴ق، ۲۴۱). البته لعن در قرآن، به معنای دوری از رحمت خدا، وجود دارد، اما به معنای ناسزا نیست؛ بلکه دعایی منفی یا وصف حالت است. اما اگر لعن از حالت توصیفی خارج شد، یعنی خود نوعی ناسزا گردید و اسم علم برای سب قرار گرفت، در این صورت شاید به سب ملحق گردد. آنچه مسلم است اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله لعن نبود و از لعن بسیار باز می‌داشت و می‌فرمود: «إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ لَعَانًا وَإِنَّمَا بُعِثْتُ رَحْمَةً.» (متقی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ۶۱۱۷) و می‌فرمود: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ لَعَانًا.» (همان، ح ۸۱۷۷).

۲-۴. موانع و راهکارهای اقتصادی مشارکت سیاسی در قرآن

۲-۴-۱. موانع اقتصادی مشارکت سیاسی در قرآن

ساختار معیوب و ملکوک فرهنگی اقتصادی، یکی از عوامل بروز و بسط بی‌قاعدگی هاست. تبدیل فرهنگ دست‌یابی به ثروت از طریق قدرت به فرهنگ مسلط بر اجتماع، از موانعی است که بی‌قاعدگی را دامن می‌زند و به فساد سیاسی منجر می‌گردد. تعریف همگونی از فساد سیاسی در دست نیست و دیدگاه‌های گوناگونی از منظرهای مختلف ابراز می‌شود (هیوود، ۱۳۸۱ش، ۳۰-۲۲؛ ابوالحسنی، ۱۳۸۶ش، ۱۹-۱). فساد سیاسی، استفاده از قدرت سیاسی برای هدف‌های شخصی و نامشروع و برآمده از شبکه فساد از جمله رشوه، اخاذی، خویشاوندسالاری و اختلاس است و ماندگاری و ارتزاق از بودجه عمومی را دنبال می‌کند. این نوع فساد به قواعد سیاسی پایبند نیست



و هرگاه اقتضا کند به سرکوب مخالفان از طریق غیرقانونی نیز می‌پردازد.

یکی از اشارات قرآن به مقوله شکاف طبقاتی را می‌توان ذیل واژه «استضعاف» و به‌ویژه در تقابل مستکبران و مستضعفان مشاهده کرد. البته مستضعف در قرآن تنها مستضعفان اقتصادی و سیاسی نیستند؛ بلکه مستضعفان فکری را نیز هستند که این نوع، از بحث کنونی خارج است؛ اما اکثر موارد بر مستضعفان اقتصادی و سیاسی دلالت دارد. «مستضعف» با «ضعیف» تفاوت دارد. «ضعیف» کسی است که توانایی ندارد؛ اما «مستضعف» کسی است که دیگران او را ضعیف کنند (طیب، بی تا، ج ۴، ۱۸۰)؛ استضعاف در قرآن مفهومی جامع است و در برخی آیات، استضعاف اقتصادی را هم در بر می‌گیرد و بر شکاف طبقاتی دلالت می‌کند (اعراف: ۷۵، قصص: ۵، سبأ: ۳۱، سبأ: ۳۲، انفال: ۲۶).

اسراف و تبذیر یکی از موانعی است که در فرهنگ اسلامی نیز بدان توجه شده و در رقابت‌ها و مدیریت‌های سیاسی عاملی چالش‌زاست. قرآن در مواردی از اسراف و تبذیر سخن گفته است و آن را یکی از عوامل بی‌قاعدگی شمرده است. قرآن «مبذّرین» را هم‌طرازان شیطان نامیده است (اسراء: ۲۷ - ۲۶). درباره اسراف نیز آیات متعددی وجود دارد که مبعوضیت و بی‌قاعدگی آن را در نظام تکوین و تشریح نشان می‌دهد (انعام: ۱۴۱، اعراف: ۳۱، انبیاء: ۹، شعراء: ۱۵۱، غافر: ۴۳). براین اساس، قرآن اسراف را یکی از عوامل فساد سیاسی دانسته؛ به گونه‌ای که طغیان‌گری و سرکشی و بی‌قاعدگی فرعون را به همین امر نسبت داده است (یونس: ۸۳، دخان: ۳۱).

مال حرام در مظاهر مختلف آن، مانند اختلاس، دزدی، رشوه، رانت‌خواری‌های سیاسی اقتصادی یا به تعبیر قرآن: «أکل مال بالباطل»، به‌طور هم‌زمان از مهم‌ترین انگیزه‌ها و دستاویزهای بی‌قاعدگی در رقابت سیاسی و کاهش مشارکت سیاسی و در نتیجه، اصلاح آن بسیار کارساز است و می‌تواند درصد بی‌قاعدگی‌ها را پایین آورد. چندین آیه قرآن سرمنشأ فساد سیاسی و اقتصادی را همین نکته دانسته است (بقره: ۱۸۸، نساء: ۲۹، نساء: ۱۶۱، توبه: ۳۴).

۲-۴-۲. راهکارهای اقتصادی مشارکت سیاسی در قرآن

عدالت اقتصادی در کنار عدالت سیاسی یکی از عوامل تشویق‌کننده و ارتقادهنده مشارکت سیاسی است. وجود عدالت اقتصادی رویه‌های اقتصادی اجتماعی را بسامان می‌کند و رابطه اقتصاد و سیاست را شفاف نگه می‌دارد. همین مسئله انگیزه‌های مشارکت سیاسی سالم را افزایش می‌دهد



و ارتقا می‌بخشد. بر همین اساس، قرآن به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر عدالت اقتصادی و رفع تبعیض منفی و مبارزه با شکاف طبقاتی پای فشرده است. کلیدواژگان اصلی در قرآن دو کلمه «قسط» و «عدل» است که گرچه فراتر از مسائل اقتصادی است، بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد.

ماده «قسط» ۲۷ مرتبه در قرآن به کار رفته است که بیشتر کاربرد آن در معنای عدل است. عدل و قسط نیز در مقابل ظلم است و معنای تساوی نمی‌دهد؛ بلکه نافی تبعیض منفی به معنای تقدیم فردی بر دیگری با وجود شرایط یکسان است؛ چراکه تبعیض مثبت، به معنای تفاوت موقعیت به جهت تفاوت استعداد و عمل افراد، امری عقلانی است که قرآن نیز آن را پذیرفته است (انعام: ۱۶۵، نحل: ۷۱). قرآن بر همین مبنا به عدالت و اقامه قسط نگرسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (مائده: ۸؛ نساء: ۱۳۵). برخی از آیاتی که قسط در آن‌ها در معنای مورد اشاره به کار رفته عبارت است از: آل عمران: ۱۸ و ۲۱، نساء: ۱۲۷ و ۱۳۵، مائده: ۸ و ۴۲، انعام: ۱۵۲، اعراف: ۲۹، یونس: ۴، ۴۷ و ۵۴، هود: ۸۵، الرحمن: ۹، حدید: ۲۵، احزاب: ۵ و حجرات: ۹. درباره عدل نیز آیات متعددی وجود دارد و در برخی از آن‌ها عدل در کنار قسط آمده است (نساء: ۵۸، مائده: ۸، انعام: ۱۵۲، نحل: ۷۶، نحل: ۹۰، شوری: ۱۵، حجرات: ۹). همچنین دستورات مختلف قرآن درباره سالم‌سازی مسائل اقتصادی و تعادل اقتصادی زمینه‌ساز مشارکت سیاسی سالم و پایدار است؛ مانند تحریم ربا، حرمت کم‌فروشی، حرمت اسراف، حرمت تبذیر، و جوب زکات و مصرف آن در امور معین و استحباب قرض الحسنه.

برای اصلاح این مسئله اقتصادی چند امر به طور هم‌زمان باید انجام گیرد. شفافیت مالی، مشخص ساختن وضعیت مالی افراد پیش و پس از مدیریت، شفاف‌سازی و عملیاتی‌سازی بودجه عمومی کشور و به‌طور کلی، قوانینی که امکان ثروت‌اندوزی از طریق قدرتمندی را کاهش دهد در این راستا مفید است.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی از مفاهیم حساس سیاسی اجتماعی است که می‌تواند موانعی داشته باشد و رفع عوامل منع‌کننده و مانع‌زا به همراه برخی دیگر از راهکارها موجب ارتقای آن می‌گردد. مشارکت سیاسی امری سهل و ممتنع است که مانعی کوچک یا موانعی خرد می‌تواند به راحتی حرکت آن را متوقف کند یا عاملی شتاب‌زا بر سرعتش بیفزاید. باید به این مسئله ظریف توجه داشت که نمی‌توانیم مفاهیم امروزی همانند مشارکت سیاسی را که در فضای معاصر مطرح است، تمام و کمال از مفاهیم و اصطلاحات دیروزین برداشت کنیم و در صدد باشیم که تمامی حالات و احکام آن را بر شرایط امروز تحمیل یا حالات و احکام امروز را بر مفاهیم مندرج در قرآن تطبیق کنیم. براین اساس، موانع و راهکارهای مشارکت سیاسی در دستگاه تفسیر موضوعی قرآن بر پایه قاعده جری و تطبیق، یا استفراغ و وسع در ادبیات فقهی، امکان‌بازنمایی و کاوش دارد و از آنجاکه مشارکت سیاسی امری ناظر بر اعتماد میان دولت و جامعه و نیز میان کنشگران سیاسی است، عوامل کندی و شتابش هم ناظر بر همین موضوع است. ضمن آنکه این عوامل منحصر در یک بعد نیست و تمامی عرصه‌های زیست بشری را در بر می‌گیرد؛ از این رو، این عوامل مختلف می‌تواند ذهنی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی باشد. مهم‌ترین مانع ذهنی فرهنگی، بسط بی‌جهت و بی‌ضابطه قلمرو دین است که عرصه را بر مشارکت سیاسی فعالانه می‌بندد و راهکار اصلی ارتقا نیز بسط اعتدالی و به دور از افراط و تفریط قلمرو دین است که با مشارکت سیاسی حداکثری مشروط همبسته است. اختلاف و نزاع مهم‌ترین مانع اجتماعی است که فضای نامنتظم و فتنه‌گون ایجاد می‌کند و راهکار مهم اجتماعی نیز توجه به مکانیزم‌های رفع اختلاف است. مهم‌ترین مانع سیاسی، استبداد است؛ به‌ویژه اگر با دین آمیخته شده باشد و مهم‌ترین راهکار، افزایش ظرفیت سیاسی و ترویج مداراست. مهم‌ترین مانع اقتصادی نیز تبعیض است و در مقابل، عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مهم‌ترین راهکار اقتصادی افزایش مشارکت سیاسی باشد.

منابع

• قرآن کریم

منابع فارسی

- آراسته خو، محمد (۱۳۷۷ش). تاریخچه مشارکت سیاسی در ایران موانع و مشکلات جامعه شناسی آن، فصل نامه جمعیت، ۷ (۲۳- ۲۴)، ۹۹-۹۰.
- آقاجانی، علی (۱۳۹۷ش). تاملی در صورت‌بندی رهیافت‌های «قلمرو دین» و طرح رهیافت مطلوب، آینه معرفت، ۱۶ (۵۷)، ۱۱۰-۹۱.
- آقاجانی، علی (۱۳۹۸ش). صورت‌بندی راهکارهای کلامی-سیاسی در قاعده‌مندی رقابت‌های سیاسی در جمهوری اسلامی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰ (۵۸)، ۸۰-۵۹.
- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۶ش). فساد سیاسی از نظر برخی متفکران مسلمان، فصل نامه سیاست، ۳۷ (۴)، ۱۹-۱.
- تبریزی، محمدحسین (۱۳۷۷ش). کشف المراد من المشروطة والاستبداد: چاپ شده در رسائل مشروطیت، تهران: کویر، چاپ دوم.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۰ش). هویت علوم انسانی اسلامی: از دیدگاه روش شناختی، پژوهش، ۳ (۱)، ۳۰-۵.
- حاجی یوسفی، امیر محمد؛ طالبی، محمدعلی (۱۳۹۵ش). موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد دولت ج.ا. ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۲ (۱)، ۴۰-۷.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
- حیدری، زهرا و همکاران (۱۳۹۷ش). موانع مشارکت نخبگان سیاسی زن در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مدیریتی (مطالعه موردی: زنان نماینده مجلس)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۴ (۱)، ۹۴-۶۳.
- سیحانی، جعفر (۱۳۷۴ش)، فروغ ولایت، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سید رضی، محمد (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- شاورانی، مسعود (۱۳۹۳ش). تعصب دینی یا ایستادگی و ایمان راسخ در قرآن، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ۹ (۳۶)، ۸۳-۷۰.
- صفری، مصطفی (۱۳۹۶ش). راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت، موانع و محدودیتها، پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۲ (۱)، ۴۶۶۵-۴۶۵۹.
- ضیائی فر، سعید (۱۳۸۲ش). جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عسکری، مهرا و همکاران (۱۴۰۱ش). مطالعه موانع توسعه سیاسی در ایران با تأکید بر عدم مشارکت نخبگان دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید دانشگاه‌های لارستان)، مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۵ (۵۵)، ۲۰۸-۱۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ش). اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
- موسوی الیگودرزی، سید مهدی (۱۳۸۷ش). درآمدی بر تربیت سیاسی از دیدگاه قرآن کریم، مجله راه تربیت، ۲ (۵)، ۹۴-۷۱.
- نراقی، آرش (۲۰۱۱م)، پارادوکس مدارا، <https://arashnaraghi.org/wp/?p=۴۵۶>
- هواسی، علی اشرف و همکاران (۱۴۰۱ش). موانع مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، ۱۳ (۲)، ۵۸-۳۳.

- هیوود، پل (۱۳۸۱ش). فساد سیاسی، تصحیح محمد طاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- الیاس، جان (۱۳۸۵ش). فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- یزدان پناه، لیلیا (۱۳۸۶ش). منابع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ۱۳۰-۱۰۵.

منابع عربی

- ابن جماعه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۸ق). الغرر والدرر، بیروت: دار النوادر.
- ابن منظور، (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: بی نا.
- ابن میثم بحرانی، (۱۴۰۷ق). النجاه فی القیامه فی تحقیق امر الامامه، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- الخمینى، مصطفی (۱۴۰۴ق). تفسیر القرآن الکریم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- زمخشری، جار الله (طبرسی، فضل بن حسن) (طوسی، محمد بن حسن). کشف، تهران: انتشارات آفتاب.
- شوشتری، سید نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق). إحقاق الحق وإزهاق الباطل، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- طباطبایی، (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- طبرسی، (بی تا). مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت: دار التراث، چاپ دوم.
- طوسی، (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، نجف اشرف: بی نا.
- طوسی، (۱۴۱۴ق). الأملی، قم: دار الثقافة.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
- کلینی، (۱۴۲۹ق). الکافی، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، چاپ اول.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق). شرح الکافی، تهران: المکتبه الإسلامیة.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال، تصحیح حیاتی و همکاران، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۱ش). مشکوه الانوار، تصحیح عبدالحسین طالعی، تهران: مبعثات.
- مرندی، ابوالحسن (۱۳۷۷ش). دلایل براهین الفرقان: چاپ شده در رسائل مشروطیت، تهران: کویر، چاپ دوم.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

COPYRIGHTS

@2023 by the authors. Licensee University of Quranic Studies and Sciences This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

